

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات: شکل‌گیری حقوق جهانی ارتباطات

رویا معتمد نژاد^۱

چکیده

در این مقاله، این ایده برای اولین بار در ایران و در دنیا، ارائه داده می‌شود که حقوق ارتباطات، دربرگیرنده حقوق رسانه‌های سنتی و حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات (به‌ویژه حقوق اینترنت)، بعد جهانی پیدا کرده و دارای ویژگی‌های حقوق جهانی است. به عبارتی، منظور از حقوق جهانی، حقوقی است که بخش مهمی از آن، خارج از حیطه دولت‌ها، در دل نهادهای متفاوت و متنوع، معماری و تولید می‌شود. آن متشکل از قواعد سخت از یک سو و قواعد نرم از سوی دیگر است. آن استوار بر مجموعه اصول پایه‌ای است که مورد قبول بخش مهمی از جامعه بین‌المللی است. تحقیق حاضر، دارای سه بخش است: ۱- فضای رسانه‌های سنتی و حقوق آن؛ ۲- حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات؛ ۳- حقوق ارتباطات به‌عنوان یک حقوق جهانی. در این مقاله کوشش شده تا ثابت شود که اگر حقوق رسانه‌های سنتی از دیرباز علائمی از حقوق جهانی را دارا بوده، امروز حقوق اینترنت به‌طریق اولی خصوصیات حقوق یادشده را دارا است.

۱. دانشیار گروه حقوق ارتباطات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

کلیدواژه‌ها: حقوق رسانه‌های سنتی، حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، حقوق اینترنت، حقوق جهانی، حقوق جهانی ارتباطات

مقدمه

حقوق ارتباطات، دیگر آن حقوق سرزمینی گذشته نیست، بلکه جنبه جهانی پیدا کرده است. حتی آن زمانی که هنوز اینترنت وجود نداشت، می‌شد از حقوق جهانی ارتباطات، صحبت به میان آورد (معمد نژاد، ۱۳۹۱: ۳۳). به‌طریق‌اولی، امروز که تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، بدون‌توجه به مرزها، حضور مستمر و پررنگ پیدا کرده‌اند، حقوق جهانی رفته‌رفته جای حقوق سرزمینی را گرفته است.

منظور از حقوق جهانی، حقوقی است که بخش مهمی از آن، خارج از حیطه دولت‌ها، در دل نهادهای متفاوت و متنوع، معماری و تولید می‌شود که متشکل از قواعد سخت از یک‌سو و قواعد نرم از سوی دیگر است. استوار بر مجموعه اصول پایه‌ای است که پذیرفته شده از سوی بخش مهمی از جامعه بین‌المللی است. با الهام از نظریه استادان معروف دانشکده‌های حقوق کشور فرانسه، از آن گروه ژان برنارد اوبی^۱، ژاک شوالیه^۲ و میری دلماسی مارتی^۳ که در سال‌های اخیر در زمینه تأثیر جهانی شدن بر حقوق کار کرده‌اند، بررسی تحول حقوق ارتباطات در طول زمان، جالب به نظر می‌رسد و اینکه چطور، به تدریج، در طی چند قرن، به صورت یک حقوق فرامرزی درآمده است. حقوقی که مبتنی بر مجموعه اصولی، برگشت‌ناپذیر است.

تحقیق حاضر، تحت‌عنوان: «شکل‌گیری حقوق جهانی ارتباطات: از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات»، دارای سه بخش است: ۱- فضای رسانه‌های سنتی و حقوق آن؛ ۲- حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات؛ ۳- حقوق ارتباطات به‌عنوان یک حقوق جهانی.

1 . Jean Bernard Obi
2 . Jacques Knight
3 . Meary Dennis Marty

بخش اول: فضای رسانه‌های سنتی و حقوق آن

قبل از پرداختن به تحولات حقوق رسانه‌های سنتی و ویژگی‌های آن، لازم است نقش رسانه در جامعه دموکراتیک، مطالعه شود.

گفتار یکم: رسانه و اهمیت آن

فعالیت‌های رسانه‌ای، فعالیت‌های خاصی هستند و در نتیجه چارچوب‌های حقوقی خاص را می‌طلبند (Derieux, 2010: 1146).

منظور از خاص بودن^۱، نقش منحصر به فرد آن‌ها در دموکراسی‌ها است؛ اما رسانه چیست و چه نقشی ایفا می‌کند، موضوعاتی هستند که در اینجا بررسی می‌شوند.

بند یکم: مفهوم رسانه و ضوابط آن

به لحاظ سنتی، مفهوم رسانه به ارتباطاتی گفته می‌شود که به صورت پیام‌های مدون، سمعی یا بصری هستند، صورت جمعی و عمومی دارند و از هنجارهای اخلاقی و مسئولیت تحریریه‌ای تبعیت می‌کنند؛ و اما ضوابط رسانه‌ای یادشده، عبارت‌اند از:

۱. رسانه‌های سنتی هدف دارند: از جمله آنکه اطلاع‌رسانی می‌کنند، بر افکار عمومی

تأثیر می‌گذارند، منافع عمومی را دنبال می‌کنند و موجب تحقق آزادی بیان می‌شوند؛

۲. این رسانه‌ها، دارای سیاست تحریریه‌ای‌اند و یک فرایند تحریریه‌ای را دنبال

می‌کنند: به این معنا که به تولید محتوا می‌پردازند یا در پی به دست آوردن آن هستند و در نهایت که محتوا را پخش کردند، مسئولیت تحریریه‌ای آن را قبول می‌کنند؛

۳. رسانه‌های مذکور، دارای روزنامه‌نگاران و دیگر آفرینندگان محتوا هستند؛

۴. رسانه‌های سنتی، به صورت «دوره‌ای» (منظم) به انتشار می‌پردازند؛

۵. این رسانه‌ها، ارتباطات جمعی (عمومی) را موجب می‌شوند؛

1 - "Les activités des Médias ont leurs spécificités. Elles ont donc leurs exigences Juridiques Propres", Derieux (E.), op. cit, p.39.

۶. رسانه‌های یادشده، در نهایت تعدادی هنجارهای اخلاقی و حرفه‌ای و حقوقی را رعایت می‌کنند.

در این میان، ضوابط ۱، ۲ و ۶، از اهمیت خاص برخوردار هستند.

بند دوم: خاص بودن فعالیت‌های رسانه‌ای

فعالیت‌های رسانه‌ای، از آن جهت خاص هستند که دو وجه دارند. از یک سو فعالیت‌های اقتصادی تجاری به شمار می‌روند و از سوی دیگر، بعد فرهنگی دارند. به بیان دیگر، رسانه‌ها را نمی‌توان تنها از بعد مادی نگاه کرد. صحبت که از آن‌ها می‌رود، مفاهیمی همچون منافع عمومی، کیفیت محتوا، هویت فرهنگی، حق بر اطلاعات و فرهنگ و ... مطرح می‌شوند. رسانه‌ها، ارتباطات و فرهنگ، بیشتر از همیشه، نیاز به حمایت دارند. شورای اروپا و یونسکو، از اولین سازمان‌هایی بوده‌اند که بر ضرورت حمایت از فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی، از آن میان رسانه‌ها، در جهت حفظ «تنوع فرهنگی»، تأکید کرده‌اند (Conseil de L'Europe, Declaration sur La Diversite CuLturelle, 2000 et UNESCO, Declaration universelle sur La Diversite CuLturelle, 2005).

بند سوم: نقش رسانه‌ها در جامعه دموکراتیک

درباره اهمیت و جایگاه رسانه‌ها و نقش آن‌ها در دموکراسی‌ها، در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تأکیدات بسیار شده است. از آن میان می‌توان به کارهای یونسکو، شورای اروپا، اتحادیه اروپا، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه آزادی بیان، کمیته حقوق بشر، جامعه مدنی و ... اشاره کرد؛ اما در دهه‌های اخیر نقش قضات به خصوص، در حمایت از رسانه‌ها، به عنوان عنصر مهم جامعه دموکراتیک، جالب توجه است (معتد نژاد، ۱۳۸۴: ۷۰-۵۸).

دیوان اروپایی حقوق بشر،^۱ دیوان‌های قانون اساسی؛ همچون دیوان عالی فدرال امریکا،

۱- در آرای خود، دیوان اروپایی؛ از قبیل مطالب زیر را می‌آورد: آزادی بیان یکی از مهم‌ترین اصول بنیادی جامعه دموکراتیک است و ... مطبوعات نقش برجسته‌ای در چنین جامعه‌ای ایفا می‌کنند (Fressoz et Roire c/ France, 21 janvier 1999)؛ «آزادی بیان یکی از اساس مهم جامعه دموکراتیک است و تضمین‌هایی که به مطبوعات باید داده شود، از اهمیت بسیار زیاد برخوردارند.»

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۲۹۳

دیوان عالی فدرال آلمان، شورای قانون اساسی فرانسه، دادگاه‌های عمومی کشورهای یادشده، یک‌صدا و هماهنگ، در طول زمان بر اهمیت رسانه‌ها و ضرورت حمایت از آزادی آن‌ها در جامعه دموکراتیک توافق نظر داشته‌اند. گرچه محدودیت‌هایی نیز برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند (Conseil Constitutionnel, Decisions du 27 juillet 1982).

بند چهارم: مسئولیت رسانه‌ها

در کنار ضرورت حمایت از رسانه‌ها در جوامع دموکراتیک، بر مسئولیت آن‌ها نیز تأکید می‌شود (معتمد نژاد و معتمد نژاد، ۱۳۸۶: ۴۴۱). بسیار حائز اهمیت است که رسانه‌ها، واقع‌بین، بی‌طرف، صادق، دارای کیفیت و اعتبار بالا، آزاد از هر نوع فشار، مسئول و ... باشند. از راه‌های رسیدن به روزنامه‌نگاری مسئولانه، می‌توان به ابزارهای خود مقررات‌گذاری یا همان خودتنظیم‌دهی و همچنین تدارک قواعد انضباطی و منشور اخلاقی، پیروی از یک خط تحریریه‌ای مشخص، داشتن استقلال تحریریه‌ای، ایجاد شوراهای رسانه‌ای مستقل با اختیاراتی وسیع، با بعد نظارتی و حتی تنبیهی و ... اشاره کرده است.

گفتار دوم: ضرورت مقررات‌گذاری برای رسانه‌ها

در دولت‌های قانونمند، فعالیت‌های رسانه‌ای همانند دیگر فعالیت‌های اجتماعی، باید ضرورتاً از چارچوب‌های حقوقی تبعیت کنند.

بند یکم: «انتشار»: «موضوع» حقوق رسانه‌ها

تمامی فعالیت‌های رسانه‌ای، از آن‌دسته مطبوعات، کتاب، آفیس، رادیو، تلویزیون، سینما، ارتباطات با عموم مردم از طریق اینترنت، ... دارای یک عنصر واحد و مشترک هستند و آن عنصر «انتشار» است. رسانه‌ها وسیله‌ای برای انتشار هستند و دقیقاً در حقوق رسانه‌ها، مفهوم «عمومی‌شدن» یا انتشار یا تبلیغات، جایگاه محوری دارد.

بعضی حتی، پیشنهاد می‌دهند که به‌جای حقوق رسانه‌ها، از «حقوق انتشار» صحبت به‌میان آید (Derieux, 2010: 29). بنا بر این، عنصر «انتشار» در حقوق رسانه‌ها از جایگاه خاصی برخوردار بوده و حول آن است که دیگر قواعد موجود، شکل و انسجام می‌گیرند.

بند دوم: ضرورت مقررات گذاری برای رسانه‌ها در دولت قانونمند

ارتباطات جمعی از طریق رسانه‌ها، ناگزیر باید تابع مقرراتی باشد. در دولت‌های قانونمند، مقررات وسیله‌ای برای رسیدن به تعادل صحیح، میان حقوق افراد است (Derieux, 2010: 31). حقوق، حافظ استقلال و آزادی رسانه‌ها است. آن‌ها را از فشارهای سیاسی و فشارهای قدرت‌های مالی، مصون می‌دارد.

طبیعتاً آزادی بدون محدودیت وجود ندارد که البته دامنه محدودیت‌ها در مقابل سوءاستفاده‌های احتمالی از آزادی، رسمی و علنی هستند و برای همگان، یکسان اعمال می‌شوند. از میان عناصر دولت قانونمند، می‌توان به عناصر زیر اشاره کرد: برتری قوه مؤسس، کنترل قوای تأسیس شده، وجود سلسله‌مراتب میان قواعد حقوقی، وجود قوانین باکیفیت، در دسترس و پیش‌بینی شونده، تبعیت ادارات از مجموعه قواعد تشکیل‌دهنده نظام حقوقی، وجود تکرر، تسامح و روح جهان‌بینی، دسترسی به دادگاه، قوه قضائیه مستقل، دادرسی منصفانه و غیره.

بند سوم: سیاست‌گذاری، حتی مهم‌تر از قانون‌گذاری

ارجح‌تر از قانون‌گذاری برای رسانه‌ها، سیاست‌گذاری است. برای رسیدن به حقوق رسانه‌ای مطلوب، باید بر نقش آن‌ها تأمل بیشتری کرد. نه تنها ویژگی‌شان و نقش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها را در دموکراسی، بلکه محدودیت‌ها و موانع کارشان را نیز باید مدنظر گرفت. به عبارت دیگر، قبل از تدارک چارچوب حقوقی برای رسانه‌ها، نیاز هست که سیاستی اتخاذ شود و سؤالاتی از این قبیل مطرح شوند: برای رسانه‌ها، چه اهدافی، چه نقشی، چه امکاناتی، چقدر آزادی و ... قرار است در نظر گرفته شوند (Derieux, 2010: 38).

گفتار سوم: حقوق رسانه‌ها: از حقوق سرزمینی تا حقوق فراملی هماهنگ

پایه‌گذاری حقوق رسانه‌ها، به قرن هجدهم برمی‌گردد، هنگامی که مطبوعات رونق گرفته و کشورهایی همچون انگلستان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا نیاز به مقررات گذاری برای

آن را احساس کردند. سپس، در اواخر قرن نوزدهم، سینما ظهور کرد و بعد از آن در اوایل و اواسط قرن بیستم به ترتیب رادیو و تلویزیون به خانه‌ها راه پیدا کردند و در نتیجه در این مقطع نیز همان کشورها به چارچوب گذاری پرداختند؛ بنابراین، حقوق رسانه‌ها، قدمت زیادی دارد.

بند یکم: هماهنگ‌شدن حقوق رسانه‌ها و نقش حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی

با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم و به دنبال شکل‌گیری سازمان‌های فراملی، بین‌المللی و منطقه‌ای، توجه جامعه بین‌المللی، به موضوع حقوق بشر و از آن میان به آزادی مطبوعات و جایگاه رسانه‌ها، معطوف می‌شود (معمد نژاد و معمد نژاد، ۱۳۸۶: ۴۴۴). امروز، بعد از گذشت بیش از نیم قرن از آن تاریخ، در نتیجه تلاش‌های سازمان‌هایی؛ همچون سازمان ملل، یونسکو، شورای اروپا، اتحادیه اروپا و ...، حقوق رسانه‌ها، در دولت‌های قانونمند به تدریج به یکدیگر نزدیک و در بسیاری از زمینه‌ها باهم هماهنگ شده‌اند.

غالب‌شدن یک ایدئولوژی مشترک در سطح جهانی (Chevallier, P: 33) و شکل‌گیری و انتشار مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات، طبیعتاً بر نظام حقوقی رسانه‌ها تأثیر گذاشته است. این ایدئولوژی، ترویج‌دهنده مدل‌های اقتصادی، سیاسی و حقوقی است (Chevallier, P: 32). تأکید بر برتری مکانیسم‌های بازار، مزایای آزادی رقابت، آثار مثبت باز شدن مرزها و گسترش تبادلات اقتصادی تجاری دارد. از سوی دیگر، اعتقاد بر دموکراسی لیبرال دارد و در نهایت «دولت قانونمند» را به عنوان یک استاندارد بین‌المللی پیشنهاد می‌دهد.

تحت تأثیر ایدئولوژی یادشده، اکثر نهادها، چه در سطح داخلی (از قوای مقننه گرفته تا قوای قضائیه و دیوان‌های قانون اساسی)، چه در سطح منطقه‌ای (شورای اروپا، اتحادیه اروپا، سازمان دولت‌های آمریکایی)، و چه در سطح بین‌المللی (سازمان ملل، یونسکو، اتحادیه ارتباطات دور، کمیته حقوق بشر، گزارشگر ویژه آزادی بیان و ...)، موضع نسبتاً واحد و هماهنگ در مورد رسانه‌ها دارند؛ در نتیجه، در دل این فضاها، حقوقی متعدد و متنوع، از

داخلی گرفته تا منطقه‌ای و بین‌المللی، یک همسویی در این زمینه به‌وجود آمده است. در میان ارگان‌های فوق، بعضی نقش پررنگ‌تری در ارتقا و در هماهنگ‌کردن حقوق رسانه‌ای کشورها داشته‌اند. (معتد نژاد، ۱۳۹۲: ۱۵) که در این بین می‌توان به‌خصوص به نقش دادگاه‌های منطقه‌ای، دادگاه‌های داخلی، دیوان‌های قانون اساسی اشاره کرد (همان). بی‌دلیل نیست که از نقش کلیدی «قاضی» در دولت قانونمند صحبت به‌میان می‌رود. او است که حامی شهروندان در مقابل سوءاستفاده‌ها از قدرت و همچنین حامی نظام حقوقی در مقابل خدشه‌هایی است که ممکن است به آن وارد بیایند (Chevallier, p: 65). در اینجا البته قاضی مستقل و باصلاحیت، موردنظر است.

بند دوم: حقوق رسانه‌ها مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی بازگشت‌ناپذیر
بررسی اسناد و متون متعددی؛ همچون معاهدات حقوق بشری، قوانین اساسی، آرای صادره توسط دادگاه‌های داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی، گزارش‌ها و پیشنهادهای متعدد، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های نهادهای تقنینی، مشورتی و ... حاکی از آن است که حقوق رسانه‌ها، دیرزمانی است که مبتنی بر دو اصل بنیادی، آزادی رسانه‌ها از یک‌سو و حق بر اطلاعات، از سوی دیگر است. اصول دیگری که منشعب از دو اصل یادشده هستند را نیز می‌توان از این‌پس به‌عنوان اصول مکسبه و بازگشت‌ناپذیر تلقی کرد.

الف. اصول بنیادی مشترک: حقوق رسانه‌ها، چه در سطح داخلی و چه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، مبتنی بر دو اصل بنیادی است. این اصول به‌ترتیب، آزادی رسانه‌ها و حق بر اطلاعات را در برمی‌گیرند. (Derieux, P: 37)

۱- آزادی رسانه‌ها:

تعداد بی‌شماری از قواعد و مقرراتی که حقوق داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات را تشکیل می‌دهند، براساس اصل آزادی تدوین شده‌اند. منظور، اصل آزادی با مفهوم لیبرالی سُنّی آن است؛ یعنی، آزادی استقلال یا همان آزادی عمل.

در اینجا، آزادی رسانه‌ها دارای دو بعد است: آزادی بیان و لیبرالیسم اقتصادی.

اول- اصل آزادی بیان: در سطح‌های منطقه‌ای (اروپایی) و بین‌المللی، همانند سطح داخلی کشورهای تکرگرا، اصل آزادی بیان یا آزادی ارتباطات، اساس حقوق ارتباطات به‌شمار می‌رود. در زمینه مذکور، از یک‌سو بر این اصل تأکید شده و از سوی دیگر، ضرورتاً محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفته می‌شوند. اصل یادشده، به‌خصوص در سطح داخلی و منطقه‌ای از ارزش حقوقی والایی برخوردار است.

- **تأکید بر این اصل:** در سطح داخلی، در چارچوب دولت‌های قانونمند، قوانین اساسی، قوانین عادی و رویه‌های قضائی، جایگاه مهمی به اصل آزادی بیان و مشتقات آن، آزادی مطبوعات، آزادی رادیو- تلویزیون و ... اختصاص داده‌اند. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز، نه‌تنها متون حقوقی معروف، به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، بلکه رویه قضائی نیز بر اصل یادشده تأکید دارد.

- **محدودیت‌های این آزادی:** باوجود مطالبی که گفته شد، آزادی بیان، آزادی مطلق نیست و می‌تواند، حتی در شرایط عادی محدود شود. البته دولت‌های قانونمند، در این زمینه چارچوب‌های خاصی را در نظر گرفته‌اند (Sudre, 2012: 221). به‌موجب رویه قضائی، این محدودیت باید توسط قانون پیش‌بینی شده باشد، هدف مشروعی را دنبال کند، در «جامعه دموکراتیک» ضرورت داشته باشد و با هدف مشروع عنوان شده «تناسب» داشته باشد.

دوم: اصل لیبرالیسم اقتصادی: اصل «لیبرالیسم اقتصادی» که عمدتاً جایگاه مهمی در حقوق اروپا و به‌خصوص اتحادیه اروپایی دارد، می‌تواند تأثیرات مهمی بر ساختار رسانه‌ها داشته باشد. این اصل از طریق متون حقوقی در سطح اتحادیه، اعلان شده است. سپس رویه قضایی دیوان دادگستری، به روشن کردن مفهوم و چارچوب آن پرداخته است. البته این اصل نیز مانند هر آزادی دیگری دارای محدودیت‌هایی است؛ چراکه نباید از آن سوءاستفاده شود یا با دیگر حقوق و منافع در تضاد باشد.

۲- حق بر اطلاعات: از آزادی شکلی تا آزادی واقعی

مفهوم لیبرالی که از آزادی یا همان آزادی «استقلال» همیشه وجود داشته، به معنای دخالت‌نکردن مقامات دولتی بوده است. آزادی مذکور، در حقوق ارتباطات، به این معنا

است که افراد بتوانند آزادانه عقاید خود را بیان کنند، یا به‌هرحال به فعالیت مورد دلخواه خویش بپردازند. درمقابل آن، افراد برای دریافت این عقاید و اطلاعات نیز آزاد هستند. اکثر متون حقوقی که در سطح منطقه‌ای یا در سطح بین‌المللی به رسانه‌ها اختصاص یافته‌اند، تحت تأثیر دیدگاه لیبرالی هستند. اگرچه اصل آزادی، بسیار حائز اهمیت است؛ اما ازسویی دارای محدودیت‌هایی است و ازسوی دیگر، همیشه جنبه ملموس و واقعی پیدا نمی‌کند. این موضوع در مورد ارتباطات و رسانه‌ها نیز کاملاً صدق می‌کند؛ اما، این خطر وجود دارد که آزادی‌های اعلان‌شده، تنها جنبه شکلی داشته باشند و به اجرا درنیایند.

به‌همین جهت، برای تحقق هر چه بیشتر آزادی، تحقق واقعی‌تر آن و از آن میان آزادی بیان، حقوق‌دانان بر این اعتقاد هستند که می‌توان از مفهوم دیگری کمک گرفت و آن مفهوم چیزی جز «حق بر اطلاعات» نیست. اصل «حق مردم بر اطلاعات، فرهنگ، آموزش و معرفت»، در تعداد زیادی از متون حقوقی که تشکیل‌دهنده حقوق داخلی، حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌المللی ارتباطات هستند، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، پیش‌بینی شده است.

ب. دیگر ضوابط بازگشت‌ناپذیر منبعث از اصول بنیادی

به‌منظور تحقق هر چه بهتر دو اصل بنیادی یادشده، دولت‌های قانونمند، درطول زمان، دیگر اصول و ضوابط را وارد حقوق رسانه‌ای خود کرده‌اند. اصول و ضوابطی که در دل نهادهای متعدد، داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رفته‌رفته شکل گرفته و بر آن‌ها تأکید شده است؛ درنتیجه حول دو اصل پایه در حقوق ارتباطات یعنی، آزادی بیان و حق بر اطلاعات، مجموعه‌ای از اصول، «بلوک» مانند، وجود دارند که به لحاظ اهمیتشان برای منافع عمومی، در سطح جهانی شناخته‌شده و بازگشت‌ناپذیرند.

بند سوم: حقوق رسانه‌های سنتی و اهداف آن

از قرن هیجده‌ام تاکنون حقوق رسانه‌ها در دولت‌های قانونمند، مراحل بسیاری را پشت سر گذاشته و در طی آن متحول شده و قوام پیدا کرده است. چارچوب‌ها، ملاک‌ها و ضوابط، در فضای رسانه‌ای سنتی، مشخص و واضح هستند. از میان اهداف و دغدغه‌های این شاخه

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۲۹۹

از حقوق، ایجاد همزیستی لازم میان حقوق متضاد در فضای ذکر شده، سعی در حمایت از حقوق مردم، از آن میان حق مطلع شدن از اطلاعات، حمایت از فرهنگ، زبان، هویت ملت‌ها و ... بوده است.

در صورتی که عملکرد فضای رسانه‌ای، در راستای حقوق مردم نباشد، مسئولیت دولت‌هاست، از آن بین قوای مقننه و مجریه که راه‌حل سیاسی و قانونی مناسب را جست‌وجو کنند. به همین منظور است که به دولت‌ها توصیه می‌شود که به صورت دوره‌ای، وضعیت رسانه‌هایشان را ارزیابی کنند (Wodarg, 2008: 22).

بخش دوم: حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات (حقوق دیجیتال)
انقلاب دیجیتالی و دگرگونی‌های تکنیکی، لزوم دگرگونی‌های حقوقی را نیز به دنبال آورده است (Le Conseil d'Etat, 2015: 7). دسته‌بندی‌های حقوقی، مقوله‌های حقوقی، همه و همه باید مورد بازنگری قرار بگیرند. ابزارهای جدید، منطبق با قدرت دیجیتال، باید تدارک دیده شوند. انقلاب یاد شده، چالشی برای حقوق به شمار می‌رود. (Le Conseil d'Etat, 2014: 5)

گفتار یکم: تکنولوژی‌های دیجیتال

از پدیده دیجیتال، به عنوان «انفجار» و «انقلاب»، یاد می‌شود؛ چرا که با خود، دگرگونی‌های تکنیکی، اقتصادی و اجتماعی، به همراه آورده است. فضای به وجود آمده، یا همان فضای دیجیتالی، محل بروز تضادها است (معتد نژاد، ۱۳۸۷: ۳۱۰). جایی که هنوز ناشناخته‌ها بسیارند.

بند یکم: فضای دیجیتال و ویژگی‌های آن

اینترنت فضایی غیرمتمرکز، فرامرزی، مشارکتی و تعاملی را به وجود آورده است. از آن به عنوان یک «منبع عمومی جهانی» (Le Conseil d'Etat, 2014: 8)، «کالا یا متعلقات عمومی» با ارزش «خدمت عمومی» (Le Conseil de L'Europe, 2014: 4)، با ابعادی جهان‌شمول، یاد می‌شود. تعدد و تکثر، از خصوصیات قابل ذکر در فضای به وجود آمده

است. تعدد متصديان، تعدد محتواها، تعدد منافع، تعدد تنظيم گری‌ها و ... فضای نوین، ارتباطات اجتماعی را از یک سو و ارتباطات مسئولان و شهروندان را از سوی دیگر، متحول ساخته است.

بند دوم: فضای دیجیتال: محل تضادها

فضای دیجیتال، محل تضادهای بسیار است و اساساً همین موضوع است که حقوقدانان را با چالش بسیار روبه‌رو ساخته است. از یک سو «پتانسیل‌های» بسیار دارد و از سوی دیگر، خطرهای و تهدیدهای گوناگون به همراه می‌آورد.

الف . پتانسیل‌های پدیده دیجیتال

این پتانسیل‌ها، متنوع و گوناگون هستند (Etude precitee du Conseil d'Etat, 8: 2005) از بُعد حقوق بشری، تکنولوژی‌های نوین، نه تنها موجب تقویت بعضی حقوق می‌شوند؛ از آن میان آزادی بیان، آزادی تجمعات، آزادی فعالیت‌های اقتصادی، بلکه موجب شده‌اند حقوق جدیدی به رسمیت شناخته شوند؛ از آن میان حق برخوردار شدن از حمایت داده‌ها و به صورت خاص تر، حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی، حق دسترسی به اینترنت، حق دسترسی به پهنای باند، اصل بی‌طرفی اینترنت، برخورداری از موجودیت دیجیتالی برای شرکت‌ها و

اما تکنولوژی‌های یادشده، نه تنها در خدمت حقوق فردی، بلکه در خدمت منافع عمومی نیز باید گذاشته شود. با به رسمیت شناختن جنبه خدمت عمومی اینترنت، حتی برای دولت‌ها وظایف مثبت در نظر گرفته شده است (Recommandation Precitee du Conseil de L'Europe, 2007 :11).

ب . تهدیدها در فضای دیجیتال

امروزه با انفجار داده‌ها و انتشار آن‌ها در فضایی بدون مرز مواجه هستیم. سوءاستفاده از داده‌ها، توسط افراد سودجو، شرکت‌های خصوصی، حتی دولت‌ها به بهانه حفظ نظم عمومی، خطر بزرگی برای حقوق و آزادی‌های افراد محسوب می‌شود؛ از آن میان دیگر تهدیدات برای حقوق و امنیت افراد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعرض به زندگی

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۳۰۱

خصوصی، خدشه به حیثیت افراد، سوءاستفاده از هویت آن‌ها، کلاه‌برداری، سوءاستفاده جنسی از کودکان، تقلب مارک، تقلب و

بند سوم: فضای دیجیتال: محل رقابت‌ها

فضای دیجیتال و پدیده هم‌گرایی، موجبات رقابت‌های متعدد و متفاوت را به همراه آورده است، از آن میان رقابت‌های اقتصادی، حقوقی، استراتژیکی و سیاسی و در این میان، اروپایی‌ها سخت به تکاپو افتاده‌اند تا بتوانند در زمینه‌های یادشده، در مقابل سیطره آمریکایی‌ها مقابله کنند. به منظور حمایت از شهروندان‌شان و همچنین حفظ «ارزش‌هایشان» در فضای نوین، به تجدیدنظر در قوانین داخلی و منطقه‌ای پرداخته‌اند.

گفتار دوم: راه کارهای رسیدن به «تعالد» میان منافع متعدد و متضاد

در فضای دیجیتال منافع متعدد و گاه متضاد، در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند. از آن میان منافع کاربران و شهروندان از یک سو منافع امپراتورها از سوی دیگر، به عبارت دیگر و فراتر از این‌ها، منافع عمومی و منافع خصوصی. حال چگونه می‌توان میان منافع گوناگون، تعادل ایجاد کرد؛ به خصوص در فضایی که ناشناخته‌ها هنوز بسیارند.

بند یکم: راه کارهای حقوقی

در مورد فضای نوین، نمی‌توان دست‌روی‌دست گذاشت و اقدامی نکرد. نیاز هست که از طریق حقوق و در نهایت زیر نظر قضات، برای چارچوب نهادن اقدامات لازم انجام شوند (Sauve, P: 45).

الف. نقش دولت‌ها در رسیدن به تعادل:

با اینکه امروزه، در عصر جهانی‌شدن، از کاهش قدرت و توان عمل دولت‌ها صحبت می‌شود کماکان، دولت‌ها هستند که تنظیم‌گر روابط اجتماعی و جریان‌های اقتصادی و تضمین‌گر حقوق بنیادی افراد از یک سو و نظم عمومی از سوی دیگر، هستند؛ در نتیجه، چه در فضای فیزیکی، چه در فضای دیجیتال، همچنان نقش دولت‌هاست که از طریق حقوق و در نهایت زیر نظر قضات میان منافع گوناگون، ایجاد همزیستی و تعادل بکنند؛ اما به دنبال

دگرگونی‌های دیجیتالی، حقوق نیز باید دگرگون شده (Ibid) و خود را با تحولات ایجادشده منطبق سازد.

۱ - نیاز به منطبق ساختن حقوق:

فضای نوین، هم‌زمان محل فرصت‌ها و محل تهدیدهاست. در دولت‌های قانونمند که دغدغه حقوق و آزادی‌های افراد را دارند، اول نقش قانون‌گذار هست که فرصت‌ها را تحقق بخشیده و تهدیدها را از میان بردارد. از آنجایی که چارچوب‌های حقوقی گذشته دیگر جوابگو نیستند؛ در نتیجه، نیاز به بازنگری (Ibid) در قوانین هست؛ به‌طور نمونه کشورهای اروپایی، اول در سطح داخلی و به موازات آن در سطح منطقه‌ای (اتحادیه اروپا)، به‌موجب اصل ثانویت^۱، به‌طور فعال اقدام به بازنگری در قوانینشان کرده‌اند.

۲ - دامنه اجرای ابزارهای حقوقی جدید:

بعدازاینکه حقوق مورد بازبینی قرار گرفت و انطباق‌های لازم انجام پذیرفتند موضوع اجرای آن و دامنه این اجرا، باید مشخص شود.

در فضای دیجیتالی که فرامرزی است، بیم این می‌رود که چارچوب‌های حقوقی اجرا نشوند. شک و تردیدها درباره اینکه قانون کدام کشور اعمال و صلاحیت کدام دادگاه احراز می‌شود منشأ نبود امنیت حقوقی است. نکند که حمایت‌های ملی، عملاً به اجرا درنیایند. به‌همین‌منظور دولت‌های یادشده، تلاش کرده‌اند دامنه اعمال بعضی از چارچوب‌های یادشده را گسترش داده تا اطمینان حاصل شود که محقق و ملموس خواهند شد.

ب - نقش «قاضی» در ایجاد تعادل میان حقوق متضاد

با توجه به خلأهای حقوقی متعدد در خصوص فضای نوین، به‌نظر می‌رسد که نقش قضات در شکل‌دادن به چارچوب‌های حقوقی در سال‌های اخیر بسیار پررنگ بوده است. در دولت‌های قانونمند چه در سطح داخلی چه در سطح منطقه‌ای، قضات بوده‌اند که به اختلاف‌ها در فضای نوین رسیدگی کرده و در این جریان، پیش‌روتر از قانون‌گذاران، به

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۳۰۳

مجموعه از اصولی در فضای دیجیتال موجودیت بخشیده‌اند. به‌طوری‌که به‌هنگام قانون‌گذاری، آرای صادرشده توسط مقامات یادشده که بعضی بسیار معروف هم شده‌اند، در نظر آمده‌اند.

پ - نقش «تنظیم‌گری» نهادهای حمایت‌کننده از داده‌ها

در کنار قانون‌گذار و قاضی، نقش مقام حمایت‌کننده از داده‌های شخصی در حفظ نظم و ایجاد تعادل میان حقوق متضاد در فضای نوین، بسیار حائز اهمیت است. در حقوق اروپایی مربوط به داده‌ها، بر لزوم تأسیس چنین نهادهایی توسط دولت‌های عضو تأکید شده است (Agence des Droits Fondamentaux de L' Union Europeenne,, 2014 : 200). به‌منظور حمایت از داده‌ها، نهادهای فوق که به‌صورت «نهادهای مستقل» هستند از اختیارات متعدد و متنوعی برخوردار شده‌اند.

در کنار ابزارهای حقوقی، ابزارهای غیرحقوقی را نیز به کار می‌گیرند و از همین‌روست، از این‌ها به‌عنوان مقامات «تنظیم‌گر» نام‌برده می‌شود.^۱ متشکل از افراد متخصص، به‌صورت روزمره با مسائل گوناگون مربوط به داده‌ها سروکار داشته، به‌شکل دادن به اخلاق دیجیتالی همت می‌گذارند؛ از آن‌میان می‌توان به «کمیسیون ملی انفورماتیک و آزادی‌ها»^۲ در کشور فرانسه اشاره کرد.

در سطح منطقه‌ای نیز، زیر نظر کمیسیون اتحادیه اروپا، نهادی معروف به «گروه ۲۹» که نقش مشورتی داشته و متشکل از تمامی مقامات حمایت از داده‌های دولت‌های عضو هست که در جهت ارتقای حمایت از داده‌ها، فعالیت می‌کند (Sommet mondial sur La) (Societe de L'information, Declaration de Geneve, 2003).

۱- چنین نهادهایی اولین بار توسط آمریکایی‌ها، تحت‌عنوان Independent Regulatory Agencies تأسیس شدند. اروپایی‌ها نیز بعدها از آن‌ها تقلید کردند. نهادهای فوق که زیر نظر مقتنه (مانند امریکا)، یا مجریه (مانند فرانسه)، هستند از استقلال زیادی برخوردارند. تنظیم‌گری اقتصاد بازار یا حمایت از آزادی شهروندان، از اختیارات مهم این‌هاست. به این منظور از امکانات وسیعی، همچون مقررات‌گذاری، اعطا حق، نظارت، حل اختلاف و نیز مجازات برخوردار هستند (شوالیه ژاک، «دولت پست‌مدرن»، همان: ۶۲).

2 - Commission Nationale de L'Informatique et des Libertes (CNIL). (www.cnil.fr)

ت- نقش دیگر نهادهای «تنظیم‌گر»:

در فضای نوین، به‌منظور چارچوب‌گذاری‌های ضروری و ایجاد تعادل میان حقوق متضاد، نهادهای دیگری در سطوح داخلی با نقش «تنظیم‌گری» پیش‌بینی شده‌اند؛ از آن میان در حوزه ارتباطات الکترونیکی، نقش اساسی مقام تنظیم‌گر، نظارت بر اعمال اصل رقابت، به‌صورت مؤثر و شرافتمندانه میان اپراتورها، با در نظر گرفتن منافع مردم است.

بند دوم: راه‌کارهای غیر حقوقی

برای ایجاد تعادل میان حقوق متضاد، در فضای نوین که فرامرزی است چارچوب‌های حقوقی به‌تنهایی جوابگو نیستند.

نیاز به دیگر راه‌کارها هست. راه‌کارهای غیرحقوقی که بتوانند در جهت برقراری تعادل مناسب، نقش ایفا کرده و مانع از بروز اختلافات شوند و در صورتی که اختلافی به‌وجود آمد از طریق میانجیگری حل شود؛ از آن دسته تمهیداتی که می‌توان در نظر گرفت آموزش کاربران و تقویت توان آن‌ها در فضای نوین، آموزش و ترغیب متصدیان خصوصی به رعایت حقوق کاربران، ارتقای آموزش شهروندی جهانی در راستای پاسخ به چالش‌های اخلاقی در فضای نوین و ... هستند (Conseil de L'Europe, "Guide des droits de L'Homme pour Les Utilisateurs d'internet, 2014: 3). در این میان دولت‌ها، مقامات حمایت از داده‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، جامعه مدنی و ... می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند.

گفتار سوم: مجموعه اصول بنیادی حاکم در فضای نوین

باوجوداینکه از شکل‌گیری فضای نوین اطلاعات و ارتباطات، دیرزمانی نمی‌گذرد از این پس می‌توان گفت مجموعه اصول بنیادی در آن حاکم شده‌اند که در میان این‌ها، بعضی بازگشت‌ناپذیر هستند. از همان ابتدا اصرار بر این بوده است، فضای یادشده، استوار بر مفاهیمی همچون دولت قانونمند، دموکراسی و حقوق بشر باشد. با تکیه بر این مفاهیم است که بر اعمال حقوق بین‌الملل بشر در آن تأکید شده است.

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۳۰۵

همچنین با استناد به مفاهیم فوق است که در دولت‌های قانونمند، قضات حتی قبل از قانون‌گذار، به اصولی بازگشت‌ناپذیر در فضای نوین شکل داده‌اند (Commissaire aux droits de L'Homme, Conseil de L'Europe, 2014: 9).

بند یکم: فضای نوین و اعمال حقوق بین‌الملل بشر

با شکل‌گیری فضای نوین و به‌دنبال تشکیل اجلاس جهانی سران در خصوص جامعه اطلاعاتی، طی دو مرحله به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳ در ژنو و ۲۰۰۵ در تونس، سران جهان یک‌صدا بر ضرورت اعمال حقوق بین‌الملل بشر در جامعه اطلاعاتی تأکید کردند (Declaration de Principes de Geneve, Precitee 2003, 9).

گرچه قبل از آن، در سازمان‌های دیگر نیز بر این موضوع تأکید شده بوده؛ مانند یونسکو و شورای اروپا. به بیان دیگر، فضای نوین فضایی فارغ از وظایف و مسئولیت‌ها نیست و مفاهیمی همچون «دولت قانونمند» یا «برتری حقوق»، در آن باید اعمال شوند. تمامی متون مربوط به حقوق بین‌الملل بشر؛ از آن‌گونه منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و ... و در سطوح منطقه‌ای، متون منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر نیز اعمال‌شدنی هستند.

بند دوم: قضات و مجموعه اصول بنیادی

در سال‌های اخیر تحت‌تأثیر تلاش قضات، رفته‌رفته مجموعه‌ای از اصول بنیادی، در فضای نوین شکل گرفته‌اند. قضات مستقلاً که در دولت‌های قانونمند بر حقوق داخلی، حقوق منطقه‌ای و حقوق بین‌الملل بشر اشراف داشته پتانسیل‌های تکنولوژی‌ها و خطرات آن‌ها را می‌شناسند. به‌هنگام مواجهه‌شدن با ادعاهای متضاد، سعی بر ایجاد تعادل صحیح میان این‌ها می‌کنند و در رهگذر همین آرای صادره است که به مجموعه اصول بنیادی موجودیت بخشیده‌اند.

الف - حق برخورداری از حمایت داده‌ها:

این حق که در گذشته به‌عنوان جزئی از حق برخورداری از زندگی خصوصی محسوب

می‌شده، امروزه به‌عنوان حقی مستقل شناخته شده است. حتی مفهوم جدیدی تحت عنوان «حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی» به کار برده می‌شود نه به‌عنوان حق جدیدی که به دیگر حقوق موجود اضافه می‌شود، بلکه به‌عنوان مفهومی که به آن‌ها؛ از آن میان حق دسترسی به اینترنت، حق اصلاح داده‌ها، حق مطلع شدن از سرنوشت داده‌ها و... معنا می‌بخشد.

ب - حق دسترسی به اینترنت:

اولین بار دیوان عالی فدرال ایالات متحده آمریکا است که در این زمینه رأی صادر کرده، حق دسترسی به اینترنت را به‌عنوان محقق کننده آزادی بیان به رسمیت می‌شناسد (Reno, 1997:12).

شورای قانون اساسی کشور فرانسه نیز حق دسترسی به اینترنت را طی رأی صادره در ۱۰ ژوئن سال ۲۰۰۹، به رسمیت می‌شناسد.

پ - اصل بی طرفی اینترنت:

مفهوم «بی طرفی اینترنت» که اولین بار در سال ۲۰۰۳ توسط حقوقدان آمریکایی «تیم وو» مطرح شد^۱ اصلی پایه در فضای نوین محسوب می‌شود.

دیگر اصول؛ همانند حق دسترسی به اینترنت محقق نمی‌شوند اگر اصل بی طرفی رعایت نشود. به بیان دیگر، در دسترسی افراد و شرکت‌ها به اینترنت نباید تبعیض باشد و اصل برابری باید رعایت شود؛ در نتیجه، اپراتورها ملزم به رعایت این اصل شده‌اند. این‌ها باید با تمامی جریان داده‌ها، بدون توجه به محتوای آن‌ها رفتار برابر داشته باشند.

ت - حق بر فراموشی:

دادگاه اتحادیه اروپا طی رأی ۱۳ مه سال ۲۰۱۴، «حق بر فراموشی» با عنوان دیگری؛ «حق بر فرانس‌زدایی» برای افراد را به رسمیت می‌شناسد. از این پس هر فردی قاعدتاً می‌تواند از موتور جست‌وجو بخواهد بعضی اطلاعات را که مربوط به وی می‌شود منتشر نکند حتی اگر اطلاعاتی باشند که به او خدش‌های وارد نمی‌کنند (La Cour de Justice de L' Union Europeenne, 2014: 2).

1 - Conseil d'Etat, op.cit.

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۳۰۷

با استناد به دستورالعمل مصوب ۱۹۹۵ در خصوص حمایت از داده‌ها که اکنون در دست تجدیدنظر است (La Directive du 24 Octobre 1995 Relative a La Protection des donnees, 2012: 7)، دادگاه فوق ابزار حقوقی جدیدی را تدارک دیده است.

ث - حق برخورداری از موجودیت دیجیتالی:

تکنولوژی‌های نوین دگرگونی‌های اقتصادی که به همراه آورده بر حقوق فعالیت‌های اقتصادی تأثیر گذاشته است. با استناد بر اصل آزادی فعالیت‌های اقتصادی، قوانین و رویه قضائی، از این پس حقی تحت عنوان، «برخورداری از موجودیت دیجیتالی» را به رسمیت می‌شناسند که دارای عناصر گوناگون است؛ از آن میان حق برخورداری از نام دامن، حق ارائه خدمات بر روی اینترنت، حق استفاده از ابزاری همچون تبلیغات، انعقاد قرارداد و

بند سوم: دیگر اصول مطرح در فضای نوین:

از دیگر اصول پایه که توسط نهادهای متفاوت و متنوع یا در لابه‌لای مصوبات، گزارش‌ها، کنفرانس‌ها و ... بر اهمیت آن‌ها تأکید شده است می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

اینترنت «منبع عمومی جهانی»؛ اینترنت «خدمت عمومی»؛ راهبری اینترنت در جهت منافع عمومی؛ راهبری چندجانبه، شفاف و دموکراتیک آن؛ ضرورت تضمین اصولی همچون «جهان‌شمولی»، «تمامیت» و «باز بودن»، «ثبات» و «امنیت» اینترنت؛ آزادی اینترنت، ضرورت تضمین «جریان آزاد فراملی اطلاعات بر روی اینترنت» و «اعمال»، «برتری حقوق» و «قانونمندی» در فضای نوین، رعایت ارزش‌های اساسی همچون آزادی، زندگی خصوصی، حقوق دیگران، حقوق کودک، تکرر، تنوع فرهنگی و زبانی، همبستگی، تسامح، صلح، عدالت، کرامت انسانی و ... جامعه اطلاعاتی انسان‌محور، همه‌گیر و توسعه‌مدار؛ جامعه اطلاعاتی، جامعه معرفتی، دسترسی به پهنای باند در خدمت توسعه پایدار، برابری زن و مرد، الزام اپراتورهای ارتباطات به رعایت اصل بی‌طرفی اینترنت، الزام موتورهای جست‌وجو و شبکه‌های اجتماعی، به رعایت «اصل شرافت» و ... (Conseil de L'Europe,)

(Commissaire Aux Droits de L'Homme, 2014: 26).

بخش سوم: حقوق ارتباطات: حقوق جهانی

حقوق ارتباطات، به صورت یک حقوق جهانی درآمده است (Chevallier, P: 26). در حالی که در حقوق رسانه‌های سنتی، علائمی از فرایند جهانی شدن حقوق به چشم می‌خورد حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، مصداقی از حقوق جهانی به شمار می‌رود. قبل از پرداختن به این مقوله‌ها، لازم است پدیده جهانی شدن و تأثیر آن بر حقوق توضیح داده شود.

گفتار یکم: حقوق جهانی و ویژگی‌های آن

جهانی شدن تأثیر بسزایی بر حقوق و به خصوص بر برخی از شاخه‌های آن داشته است. حقوق جهانی دارای ویژگی‌هایی است.

بند یکم: جهانی شدن

جهانی شدن که پدیده نسبتاً قدیمی است بعد از جنگ دوم جهانی با استمرار ادامه می‌یابد و بعد از آغاز سال ۱۹۹۰ میلادی، شدت گرفته و ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد^۱. به طوری که نه از بین‌المللی شدن، بلکه از جهانی شدن، صحبت به میان می‌رود. جهانی شدن، قبل از هر چیز به معنای فرایند باز شدن فضاها، اقتصادی و رشد تبادلات تجاری است (Chevallier, P: 34).

اقتصاد جهانی که وارد عرصه جدیدی می‌شود، متشکل از سه عنصر زیر است: ایجاد یک بازار مشترک، تعدد شرکت‌های فراملیتی و شکل‌گیری مکانیسم‌های تنظیم‌گری جریان اقتصاد. باز بودن‌های اقتصادی نه تنها شامل روابط اقتصادی بلکه شامل روابط اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی نیز می‌شود (Ibid).

جهانی شدن که بر حاکمیت دولت‌ها تأثیر گذاشته، آن را کم‌رنگ کرده، بر شدت روابط درهم تنیدگی و تعاملی میان عناصر تشکیل دهنده جامعه بین‌المللی افزوده و اقتصاد کشورها را به یکدیگر گره زده و موجبات شکل‌گیری قواعد بازی جدید را فراهم آورده است (Ibid).

1 - Chevallier (J.), L'Etat Post- Moderne, op. cit . p 26.

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۳۰۹

جهانی‌شدن ظهور بازیگران جدیدی را سبب شده که از انحصار دولت‌ها بر روابط بین‌الملل کاسته‌اند. بازیگرانی که باز بودن‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی را موجب شده‌اند و دولت‌ها ناگزیر به کنار آمدن با آن‌ها هستند؛ اما پدیده جهانی‌شدن، از آن‌رو خاص و جالب است که دربرگیرنده فرایندهای زیر است:

اول، «فضا زدایی» و «سرزمین زدایی»، فعالیت‌ها و مکانیسم‌های اقتصادی اجتماعی. دوم، «دولت زدایی» است. باز شدن فضاها، اقتصادی، فضا زدایی فعالیت‌های اجتماعی و ... از توان تنظیم‌گری دولت‌ها کاسته است.

سوم، توسعه مکانیسم‌های فراملی و درهم‌تنیدگی‌های روزافزون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع امروز است؛ اما مبحث دیگر، تضادهایی است که در دل پدیده جهانی‌شدن وجود دارد.

بند دوم: جهانی‌شدن و تأثیر آن بر حقوق

الف - فشار جهانی‌شدن بر حقوق

جهانی‌شدن فشارهای بسیاری بر حقوق وارد می‌آورد. این فشار از جانب بازیگران متعدد و جدیدی است که در فضای جهانی، دغدغه‌های متنوع در سر می‌پروراند (Chevallier, 34: P). از توسعه اهدافی همچون تجارت و تبادلات اقتصادی گرفته تا حمایت از حقوق بشر، ارائه خدمات بر روی اینترنت و ...، برای این‌ها، تکثر سیستم‌های حقوقی، دولتی بودن حقوق، سرزمینی بودن آن، مانع محسوب می‌شود. ضرورتاً درصدد از میان برداشتن موانع می‌شوند؛ مثلاً از طریق هماهنگ‌سازی قواعد و با کاستن از تسلطی که تکثر سیستم‌های ملی بر آن‌ها دارد. اپراتورهای بزرگ تجارت بین‌الملل، فشار را در جهت هماهنگ‌سازی قواعد وارد می‌کنند. تنظیم‌دهی اینترنت، خارج از حیطه حقوق ملی انجام می‌پذیرد. حقوق بین‌الملل کیفی در پی تولید مفاهیم مشترک فراملی است.

ب - از هم‌پاشیدگی تنظیم‌گری حقوقی

پروفسور شوالیه که به کم‌رنگ‌شدن نقش دولت‌ها در پی دو عامل، بحران دولت رفاه در اواسط سال ۱۹۷۰ میلادی از یک سو و شدت گرفتن پدیده جهانی‌شدن بعد از سال ۱۹۹۰

اشاره می‌کند، از «متلاشی‌شدن تنظیم‌گری حقوقی» صحبت به میان می‌آورد (Chevallier, P: 123).

درحالی‌که در جوامع مدرن، دولت تنها منبع حقوق بوده و یک نظام حقوقی به‌عنوان مجموعه‌ای منسجم، مبتنی بر اصل سلسله‌مراتب، بیشتر وجود نداشته ولی امروز در عصر پست‌مدرنیته، با ظهور بازیگران جدید شاهد شکل‌گیری فضاهای حقوقی متعدد و متنوع هستیم. در جوامع پست‌مدرن، دولت دیگر تنها منبع حقوق نیست و در تولید آن با تکثر مواجه هستیم (Chevallier, p: 124).

پ - ایجاد انسجام در نظام حقوقی جهانی:

امروزه همان‌طور که دیده شد تنظیم‌گری حقوقی، توسط بازیگران متعدد انجام می‌پذیرد که آن‌ها نیز در فضاهای حقوقی متفاوت قرار گرفته‌اند. رابطه میان این فضاها دیگر از اصل سلسله‌مراتب پیروی نمی‌کند. هریک منطق و دغدغه خاصی را دنبال می‌کند. وجود کانون‌های متعدد تولید حقوق، ظاهراً یک بی‌نظمی هنجاری را در پی داشته است. حال باید دید که چطور می‌توان در این چشم‌انداز متکثر، نظم و انسجام برقرار کرد.

بند سوم: فرایند جهانی‌شدن حقوق

هنجارهای حقوقی جهانی، بعد از شکل‌گیری وارد حقوق داخلی می‌شوند. با بررسی این فرایند، می‌توان به خصوصیات و اصالت آن‌ها پی برد.

الف. هنجارهای حقوق جهانی

هنجارها و استانداردهای حقوق جهانی را از سه بعد می‌توان بررسی کرد: به لحاظ شکل‌گیری، به لحاظ محتوا و به لحاظ -تأثیر آنچه در حقوق جهانی بیشتر از هر چیز به چشم می‌خورد- تعدد و تنوع تولیدکنندگان آن است.

دولت‌ها که محورهای همیشگی تولید حقوق بودند دیگر نقش مهمی در تولید حقوق جهانی ندارند. به لحاظ محتوایی، در حقوق جهانی طبیعتاً دغدغه‌هایی همچون تسهیل بخشیدن به فرایندها و جریان‌های فراملی؛ همچون تبادلات اقتصادی وجود دارد. همچنین حقوق جهانی، دیدگاه جدیدی از مفهوم «سرزمین‌ها» دارد. از طرفی دیگر، به علت اینکه قرار

است وارد نظام‌های حقوقی سنتی متعدد و متنوعی شوند، هنجارهای حقوقی جهانی بیشتر به صورت استانداردهای کلی، «مفاهیم باز» هستند.

در نهایت، به لحاظ تأثیر نیز، هنجارهای حقوق جهانی دارای اصالت و ویژگی هستند. اول اینکه مخاطبانشان افراد عادی، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، تقسیمات کشوری و ... هستند.

دوم اینکه به لحاظ اقتدار و ارزش حقوقی، بیشتر به صورت استانداردهای رفتاری یا هنجارهای توصیه‌ای هستند. گرچه گاه به صورت الزام‌آور هم درمی‌آیند. در شرایطی حتی نسبت به دیگر هنجارهای حقوقی در موضع برتر قرار می‌گیرند؛ باین حال هنجارهای حقوق جهانی، یک بلا تکلیفی در سلسله مراتب حقوقی به دنبال آورده‌اند.

ب. ورود هنجارهای حقوق جهانی به داخل سیستم‌های حقوقی

پدیده جهانی‌شدن و شکل‌گیری هنجارهای حقوق جهانی، تبعاتی بر نظام‌های حقوقی داشته است که از آن میان و به خصوص، می‌توان این‌ها را به صورت زیر برشمرد: نفوذپذیری، رقابت، هماهنگ‌سازی. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن سیستم‌های حقوقی را در مقابل نفوذ هنجارهای خارجی آسیب‌پذیر ساخته و توان مقابله و مقاومت این‌ها را در مقابل این پدیده ضعیف کرده است.

جهانی‌شدن از سوی دیگر، سیستم‌های حقوقی را به رقابت با یکدیگر واداشته است. به طوری که تفاوت‌ها و تشابهات، نقاط قوت و نقاط ضعف هریک را نمایان کرده و ترجیح این است که به جای مقابله، کشورها به هماهنگی سیستم‌های حقوقی خود تن بدهند.

در دل جهانی‌شدن، جنبشی در جهت هم‌گرایی و نزدیک‌شدن سیستم‌های حقوقی به یکدیگر وجود دارد که این البته، یک هم‌گرایی و هماهنگی است نه یکسان‌سازی؛ اما انتشار، جریان و در نهایت ورود و رسوخ هنجارهای حقوق جهانی به داخل سیستم‌های حقوقی، به شیوه‌های متعدد و متنوع انجام می‌پذیرد (Auby, p: 134).

بند چهارم: ویژگی‌های بارز حقوق جهانی

هیچ فعالیتی نیست امروزه که تحت‌تأثیر جهانی‌شدن قرار نگرفته باشد. گرچه در مورد بعضی دامنه‌ها یا فعالیت‌ها که ذاتاً جنبه جهانی دارند فرایند جهانی‌شدن حقوق، بیشتر مشاهده می‌شود؛ از آن میان می‌توان به فعالیت‌ها و واقعیت‌های جهانی؛ همچون تجارت، محیط‌زیست، حقوق بنیادی، قراردادهای دولتی، اینترنت و بازارهای مالی اشاره کرد؛ اما فرایند یادشده از موضوع‌های داخلی و ملی غافل نمانده و به سراغ ساختار عملکرد دولت‌ها یا همان حکمرانی مطلوب نیز رفته است (Auby, p: 31).

حقوق جهانی حقوقی فراملی است. بخش اعظم آن خارج از حیطه دولت‌ها تولید می‌شود. اساساً در پی هماهنگ‌سازی است و نه یکسان‌سازی. به دنبال نزدیک‌تر کردن نظام‌های حقوقی با استانداردهای مشترک است. حقوقی «مختلط»، «تلفیقی» و «ترکیبی» است که کاملاً مبتنی بر «تنظیم‌گری مشترک» است؛ به این معنا که دو بخش دولتی و خصوصی در شکل دادن به آن نقش دارند. در عین حالی که «خودتنظیم‌گری»، از جایگاه مهمی در آن برخوردار است همچنین، حقوقی استوار بر مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی است که جامعه بین‌الملل بر آن‌ها تأکید و آن‌ها را پذیرفته است.

با توجه به معیارهایی که برای تعریف حقوق جهانی در نظر گرفته شد، معتقد هستیم که نه تنها حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، حقوق اینترنت، یک حقوق جهانی به‌شمار می‌رود که این مهم با توجه به فرامرزی بودن آن، امری کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد، بلکه حقوق رسانه‌های سنتی؛ همچون مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون، ... نیز علائمی از حقوق جهانی را دارا هستند. حقوق ارتباطات شاخه‌ای از حقوق به‌شمار می‌رود که از دیرباز فرایند بین‌المللی‌شدن و جهانی‌شدن بر آن تأثیر گذاشته است.

گفتار دوم: حقوق رسانه‌های سنتی دارای بعضی از ویژگی‌های حقوق جهانی

از دیرباز حقوق رسانه‌های سنتی، خصوصیات حقوق جهانی را دارا بودند. این خصوصیات را می‌توان برشمرد؛ اما قبل از آن لازم است به لحاظ تاریخی، سیر تحول روند جهانی‌شدن

حقوق یادشده را بررسی کنیم.

بند یکم: سیر تاریخی روند جهانی شدن حقوق رسانه‌های سنتی

این روند را می‌توان در حداقل چهار مرحله بررسی کرد:

الف. اولین مرحله از روند جهانی شدن حقوق رسانه‌های سنتی: قرون هجدهم و نوزدهم.

اولین مرحله، برمی‌گردد به ترتیب به قرون هجدهم و نوزدهم، هنگامی که کشورهای پیش‌قدم شدند اولین چارچوب‌های حقوقی را برای مطبوعات تدارک ببینند. اصل آزادی مطبوعات را در قوانین اساسی و سپس در قوانین عادی، پیش‌بینی کردند. سپس «راه طولانی» رسیدن به آزادی مطبوعات و تحکیم آن را طی کردند.

عناصری که امروزه، به عنوان ارزش‌های جهانی از آن‌ها یاد می‌شود؛ که از آن‌ها می‌توان به «نشر آزاد روزنامه‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، توقیف‌نداشتن و تعطیل خودسرانه آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرائم احتمالی آنان در دادگاه‌های عادی با حضور هیئت منصفه» اشاره کرد که با «رعایت اصل تعدد و تنوع نشریات از جهت سیاسی و مسلکی و حفظ استقلال آن‌ها در برابر صاحبان ثروت و قدرت» تحکیم می‌شود (معمد نژاد، ۱۳۷۹: ۲۵).

همان‌طور که بیان شد طی این مرحله نخست، به حقوق مطبوعات توجه شده است، پیش‌روبودن بعضی کشورها در شکل دادن به آن و الهام‌گیری بعضی دیگر، از تجربیات این‌ها. ب. دومین مرحله از روند جهانی شدن حقوق رسانه‌های سنتی: از اواخر قرن نوزدهم تا پایان جنگ دوم جهانی

این مرحله شاهد رویدادهای متعددی بوده است: از پیشرفت شگرف تکنولوژی گرفته، از آن میان تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات (تلفن، تلگراف، سینما، رادیو، تلویزیون و ...) تا به وقوع پیوستن دو جنگ جهانی، امضای قرارداد صلح ورسای (در سال ۱۹۱۹)، تأسیس «جامعه ملل» در همان سال، قوت گرفتن روابط بین‌المللی و ...

«مناسبات و مبادلات گسترده جهانی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و فنی، خودبه‌خود نقش بین‌المللی وسایل ارتباطی را که ابزارهای مهم این مناسبات و

مبادلات‌اند، برجسته‌تر و حساس‌تر می‌کنند» (معتمد نژاد و معتمد نژاد، ۱۳۸۴: ۳۱۷).

پ. سومین مرحله از جهانی‌شدن حقوق رسانه‌های سنتی: از پایان جنگ دوم جهانی تا ظهور اینترنت با پایان گرفتن جنگ دوم جهانی، به‌منظور تحقق اهدافی؛ همچون تحکیم، تقویت همکاری میان کشورها، ارتقای حقوق بشر و ... سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، از آن دسته سازمان ملل متحد، یونسکو، شورای اروپا، اتحادیه اروپا، سازمان دولت‌های آمریکایی و ... تأسیس شدند و قدم‌های مؤثری در جهت حمایت از حقوق بشر برداشتند.

توجه خاص سازمان‌های مذکور به آزادی مطبوعات در مرحله اول، به آزادی اطلاعات در مرحله بعدی، توجهی که کماکان امروزه در قرن بیست‌ویکم به قوت خود باقی است؛ «به آن جهت بود که این آزادی به‌منزله مؤثرترین سلاح برای دفاع از حقوق بشر تلقی می‌شود» (معتمد نژاد، ۱۳۸۴: ۳۳۴).

با نگاهی به اقدامات انجام گرفته از آغاز تاکنون، توسط هریک از سازمان‌های یادشده، به‌منظور حمایت از نقش وسایل ارتباط جمعی، در جهت آگاه‌سازی افراد می‌توان به اهمیت و حجم کار و راه پیموده شده تحت تأثیر این سازمان‌ها پی برد.

ت. چهارمین مرحله از جهانی‌شدن حقوق رسانه‌های سنتی: عصر جامعه اطلاعاتی و پدیده «هم‌گرایی»

عصر جامعه اطلاعاتی که پدیده «هم‌گرایی» رسانه‌های سنتی و رسانه‌های نوین را به‌دنبال آورده است، طبیعتاً موضوع سرنوشت و جایگاه رسانه‌های سنتی در آینده را مطرح می‌سازد. به‌نظر می‌رسد که سازمان‌های یادشده در این عصر جدید، نه تنها به حمایت از نقش رسانه‌های سنتی پرداخته بلکه بر اهمیت آن‌ها به‌عنوان رسانه‌های معتبر و انسجام دهنده تأکید می‌ورزند. موضوع دیگر بحث هم‌گرایی است؛ از آن میان هم‌گرایی تلویزیون و اینترنت و ضرورت بازیابی نظام حقوقی تلویزیون، که امری گریزناپذیر است. باید دید چارچوب گذاری‌های جدید، چه سمت‌وسویی به خود خواهد گرفت.

بند دوم: خصوصیات از حقوق جهانی در حقوق رسانه‌های سنتی

حقوق رسانه‌های سنتی، گرچه به‌مانند حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۳۱۵

یک حقوق فرامرزی نیست و همچنان حقوقی سرزمینی به‌شمار می‌رود، ولی بسیاری از خصوصیات حقوق جهانی را داراست که در اینجا به آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف. حقوق رسانه‌های سنتی: حقوق هماهنگ شده

یکی از خصوصیات حقوق جهانی این است که حقوق داخلی کشورها را به یکدیگر نزدیک و هماهنگ ساخته است. می‌توان گفت که در دولت‌های قانونمند، میان چارچوب‌های حقوقی رسانه‌ها به تدریج تشابه و نزدیکی به وجود آمده است.

همان‌طور قبلاً بیان شد؛ نقش حقوق بین‌المللی و حقوق منطقه‌ای در این زمینه بسیار پررنگ بوده است. «استانداردهای» تدارک دیده‌شده توسط سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به فضاهای حقوقی داخلی نیز سرایت کرده‌اند. البته در این میان، نقش ایدئولوژی غالب در عصر جهانی‌شدن را نیز باید در نظر گرفت.

ب. تعدد تولیدکنندگان حقوق رسانه‌های سنتی

حقوق رسانه‌های سنتی متشکل از هنجارها و استانداردهای الزام‌آور و غیر الزام‌آور، توسط تولیدکنندگان متعدد در دل فضاهایی متنوع و متعدد، در طول زمان شکل گرفته است. در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نهادهای گوناگون تحت تأثیر ایدئولوژی مشترک، تقریباً هم‌سو چارچوب‌هایی در نظر گرفته‌اند.

پ. حقوق رسانه‌های سنتی مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی

همانند حقوق جهانی محیط‌زیست یا حقوق جهانی حقوق بنیادی که هریک مبتنی بر اصول پایه و بنیادی هستند که این خود یکی از معیارهای حقوق جهانی به‌شمار می‌رود، حقوق رسانه‌های سنتی نیز استوار بر مجموعه اصولی است که از دیرباز شکل گرفته‌اند و از سوی جامعه بین‌المللی پذیرفته شده هستند.

ت. حقوق رسانه‌های سنتی: حقوق تلفیقی

یکی از ویژگی‌های حقوق جهانی، ترکیبی بودن یا مختلط بودن آن است. حقوق رسانه‌های سنتی، تلفیقی است از مجموعه قانون‌گذاری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، رویه‌های قضایی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تنظیم‌گری‌های مستقل و همچنین، خودتنظیم‌گری

نیز در عرصه رسانه‌ها، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است.

گفتار سوم: حقوق تکنولوژی‌های نوین مصداق حقوق جهانی

شکی نیست که حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و به صورت خاص، حقوق اینترنت، بعدی جهانی داشته و حقوق جهانی به شمار می‌رود.

بند یکم: اینترنت: «واقعیتی» با ابعاد جهانی

اینترنت یک واقعیت کاملاً جهانی است همانند فعالیت‌هایی؛ همچون بازارهای مالی، فعالیتی فرامرزی، بدون سرزمین و غیرمادی است. زیرساخت‌های آن اساساً متشکل از کابل‌های زیردریایی با فیبر نوری ترکیب شده با کابل‌های زمینی است (La preeminence du droit sur L'internet et dans Le monde numerique en genera, p: 3). اگرچه به لحاظ تاریخی، عمده فعالیت راهبری فنی اینترنت، از آن میان اداره «منابع حیاتی آن»، در دست شرکت‌های آمریکایی؛ نظیر آیکان بوده است؛ اما «جهان‌شمولی»، «تمامیت» و «بازبودن» اینترنت، ایجاب می‌کند یکایک کشورها اقدامات ضروری در جهت تحقق این اصول را انجام دهند (Conseil de L'Europe, Comite des ministres, 2011: 12).

بند دوم: حقوق اینترنت: حقوق جهانی

بدیهی است که امروزه اینترنت نیاز به چارچوب، تنظیم‌گری، نظم و قانونمندی دارد و همگان بر آن تأکید دارند، ولی اینکه آیا حقوق بتواند به تنهایی از عهده این امر برآید، به عنوان سؤالی مطرح است. نه فقط دولت‌ها قادر نیستند، حداقل به تنهایی، از پس اینترنت به عنوان فعالیت غیرمادی که ارتباطی با سرزمین خاصی ندارد برآیند، بلکه دسته‌بندی‌های حقوقی کلاسیک هم دیگر جوابگو نیستند؛ بنابراین حقوق تنها یکی از راه‌های تنظیم‌گری اینترنت است (chevallier, P: 162).

الف. حقوق اینترنت: حقوق ترکیبی

حقوق اینترنت حقوقی است ترکیب شده از هنجارهای حقوق بین‌المللی، حقوق منطقه‌ای و حقوق داخلی، اما به سبب اینکه حقوق سخت به تنهایی جوابگو نیست، حقوق نرم هم نقش مهمی

از حقوق رسانه‌های سنتی تا حقوق تکنولوژی‌های ... ۳۱۷

در نظم دهی ایفا می‌کند که از آن‌میان می‌توان به قواعد انضباطی، قواعد اخلاقی، آموزش کاربران و مؤسسه‌ها، همکاری‌های بین‌المللی، خودتنظیم‌گری و ... اشاره کرد (Agenda de Tunis pour La Societe de L'information, 2005). با توجه به ویژگی فوق، گفته می‌شود که حقوق اینترنت ساختاری بسیار «ترکیبی» یا «تلفیقی» دارد (Auby, P: 62).

ب. جایگاه «خودتنظیم‌گری» در حقوق اینترنت:

در تولید حقوق اینترنت، نه تنها مقامات دولتی بلکه بخش خصوصی هم نقش ایفا می‌کند؛ در نتیجه «خودتنظیم‌گری» جایگاه مهمی در حقوق اینترنت دارد که البته تنظیم‌گری توسط بخش خصوصی، توأماً در کنار تنظیم‌گری دولتی انجام می‌پذیرد. در نهایت اگر «خودتنظیم‌گری» کفایت نکند تنظیم‌گری دولتی است که به حل مسائل می‌پردازد؛ به همین دلیل گفته می‌شود که حقوق اینترنت، حقوقی «مختلط» است (Ibid).

پ. تعدد تولیدکنندگان حقوق اینترنت:

همان‌طور که در مطالب فوق آمد تولید حقوق اینترنت، توسط نهادهای متفاوت و گوناگون در فضاها، بسیار متنوع، بین‌المللی، منطقه‌ای، داخلی، عمومی، خصوصی، حرفه‌ای، یا خارج از حرفه‌ها انجام می‌پذیرد که البته تعدد، تکثر و پراکندگی فضاها، تنظیم‌گری، نیاز به هماهنگی‌ها و همکاری‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

ت. حقوق اینترنت: مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی

همان‌طور که بالاتر گفته شد بعضی از شاخه‌های حقوق جهانی مبتنی بر مجموعه اصول بنیادی یا «هسته اصلی» از حقوق، از آن‌میان در حقوق بشر هستند. در حقوق محیط‌زیست گفته می‌شود که محیط‌زیست «میراث مشترک» بشریت است و در نتیجه، حول این موضوع اصولی به رسمیت شناخته شده است. اینترنت هم به عنوان یک «منبع عمومی جهانی» مبتنی بر مجموعه اصولی است که به تدریج جنبه خدشه‌ناپذیر پیدا خواهد کرد (Une Ressource Publique mondiale, Declaration de Geneve, 2003).

ث. حقوق جهانی اینترنت در جهت هماهنگ‌سازی چارچوب‌ها

چنانکه پیش‌تر نیز بیان شد تعدد تولیدکنندگان حقوق اینترنت می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.

درعین حال، حرکتی در جهت هماهنگ ساختن تنظیم‌گری‌ها و منطق ساختنشان با یکدیگر وجود دارد. حقوق جهانی اینترنت با به کارگیری راه‌های گوناگون می‌تواند به این مهم دست یابد.

ج. اداره اینترنت به عنوان یک «منبع عمومی جهانی»

اداره و حکمرانی اینترنت،^۱ که یک «منبع عمومی جهانی» به شمار می‌رود از همان ابتدا به عنوان یکی از موضوعات محوری در جامعه اطلاعاتی مطرح گردید. تأکید بسیار شد که حکمرانی مطلوب باید به صورت چندجانبه، شفاف، دموکراتیک و با مشارکت دولت‌ها، بخش خصوصی و سازمان‌های بین‌المللی انجام پذیرد (Ressource Publique Mondiale, (Le Sommet Mondial sur La Societe de L'information 2003:8).

درحالی که بعضی کشورها کاملاً مخالف حضور بخش خصوصی در امر این حکمرانی هستند کشورهای دیگر از آن میان کشورهای اروپایی، موافق با مدل «چندجانبه» هستند. منتها انحصار عملاً چند نهاد خصوصی آمریکایی را در این زمینه، غیر دموکراتیک می‌دانند و پیشنهاد می‌دهند که عملکرد نهادهای مذکور شفاف‌تر بوده؛ منافع عمومی را در نظر بگیرند و پاسخگوی اعمالشان باشند (Conseil d'Etat, Rapport precite, 2014: 8).

عمل حکمرانی یا همان «گاورنس اینترنت»، فعالیت‌های متعددی را در برمی‌گیرد که از آن میان می‌توان به تقسیم منصفانه منابع، سهولت بخشیدن به دسترسی همگان، تضمین عملکرد امن، باز و باثبات اینترنت و ... اشاره کرد، نه تنها موضوعات با ابعاد تکنیکی بلکه موضوعات اقتصادی و نیز سیاست‌گذاری‌ها را شامل می‌شود.

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری مجموعه اصولی بازگشت‌ناپذیر در طول زمان، به عنوان ستون‌های پایه‌ای حقوق رسانه‌ای سنتی و حقوق تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، از آثار مثبت فرایند جهانی شدن است.

همان‌طور که بیان شد، جهانی‌شدن فشارهای زیادی بر بعضی از شاخه‌های رشته حقوق وارد آورده است که حقوق ارتباطات نیز جزئی از آن‌ها به‌شمار می‌رود. اصول مدنظر که در نهایت دغدغه حقوق افراد را دارند؛ از حقوق خواننده، شنونده، بیننده یا به‌بیان‌دیگر حقوق‌گیرنده یا حقوق مخاطبان گرفته تا حقوق کاربران اینترنتی، از دسته آن «پل‌هایی» به‌شمار می‌روند که فضاها و حقوق متعددی را به هم متصل می‌کنند. جزء آن قواعد حداقلی هستند که جامعه بین‌المللی بر ضرورت حمایت از آن‌ها، توافق نظر دارد. از اجزای حقوق دموکراتیک محسوب می‌شوند؛ چرا که به آگاه‌شدن افراد جامعه، افزایش مشارکت آن‌ها در امور عمومی، شفافیت بیشتر عملکرد دولتمردان و ... منتهی می‌شوند. مجموعه اصول یادشده که تحت تأثیر جهانی‌شدن، یا تقویت‌شده یا تازه پدیدار گشته‌اند مستقیم یا غیرمستقیم، نه تنها در سطوح داخلی بلکه در سطح جهانی نیز موجبات تحقق اهدافی؛ همچون حاکمیت قانون، شفافیت، عدالت و ... را فراهم می‌آورند. به امید اینکه حقوق ارتباطات، از حقوق رسانه‌های سنتی گرفته تا حقوق فناوری‌های نوین (اینترنت) موفق شود «بشریت» را در کانون توجه فضای جهانی قرار داده آن روی تیره و تاریک جهانی‌شدن را بزداید.

منابع فارسی:

- معتمد نژاد، رویا (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در پیشبرد جهانی حقوق ارتباطات: بررسی تجربیات شورای اروپا. مجله حقوق و سیاست.
- معتمد نژاد، رویا (۱۳۹۱). حقوق تطبیقی ارتباطات. فصلنامه علوم خبری.
- معتمد نژاد، کاظم و معتمد نژاد، رویا (۱۳۸۶). حقوق ارتباطات. تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) ارتباطات بین‌المللی. تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

۳۲۰ مجموعه مقالات کرسی‌های ترویجی دانشگاه علامه طباطبائی (۱۳۹۷)

- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۳). یونسکو و سیاست‌گذاری ملی ارتباطات در کشورهای درحال توسعه. رسانه ۱۵ (۲)، شماره پیاپی ۵۸، تابستان.
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۷۴). دگرگونی سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی یونسکو: استراتژی نوین ارتباطی، به جای نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات با توجه خاص به پیشبرد وسایل ارتباطی آزاد، مستقل و کثرت‌گرا و پشتیبانی مجدد از جریان آزاد اطلاعات. رسانه ۶ (۴)، زمستان.
- معتمد نژاد، رویا (۱۳۸۴). دیوان اروپایی حقوق بشر و پشتیبانی از آزادی مطبوعات. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۱۶-۲۱۵.
- معتمد نژاد، رویا (۱۳۹۳). حقوق منطقه‌ای و بین‌المللی ارتباطات. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- معتمد نژاد، کاظم و معتمد نژاد، رویا (۱۳۸۶). حقوق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران. تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۷). حقوق مطبوعات. تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۷). تکنولوژی‌های نوین ارتباطی: از تلگراف و تلفن تا بی‌سیم و رادیو. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- معتمد نژاد، کاظم (۱۳۸۸). اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی: ژنو ۲۰۰۳-تونس ۲۰۰۵. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.

منابع لاتین:

- Auby, (J.B.) (2010). *La Globalisation, Le droit et L'Etat*. paris, L.G.D.J. Lextenso editions, 2eme ed.
- Chevallier, (J.) (2008). *L'Etat Post-Moderne*. Paris, L.G.D.J. 3eme ed.
- Delmas-Marty, (M.) (2013). *Resister, responsabiliser, anticiper, ou Comment humaniser La Mondialisation*. Paris: Seuil.
- Derieux, (E.) (2010), *Droit des Medias. Droit Francais, Europeen, et international*, Paris: L.G.D.J. 6eme ed.